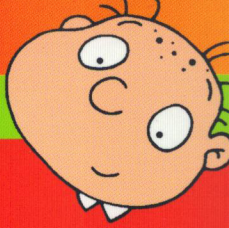




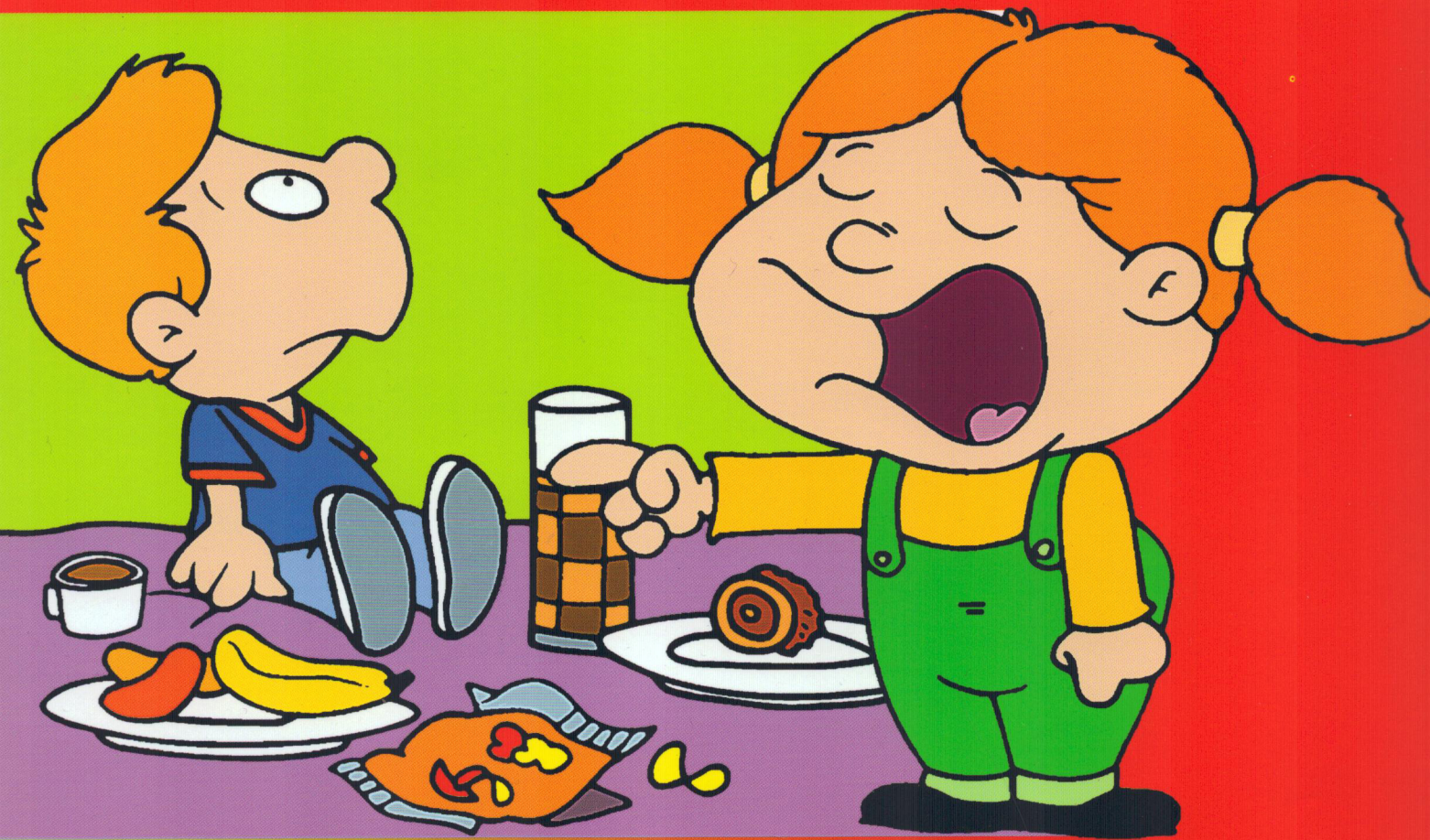
۱۸

فسقلی‌ها

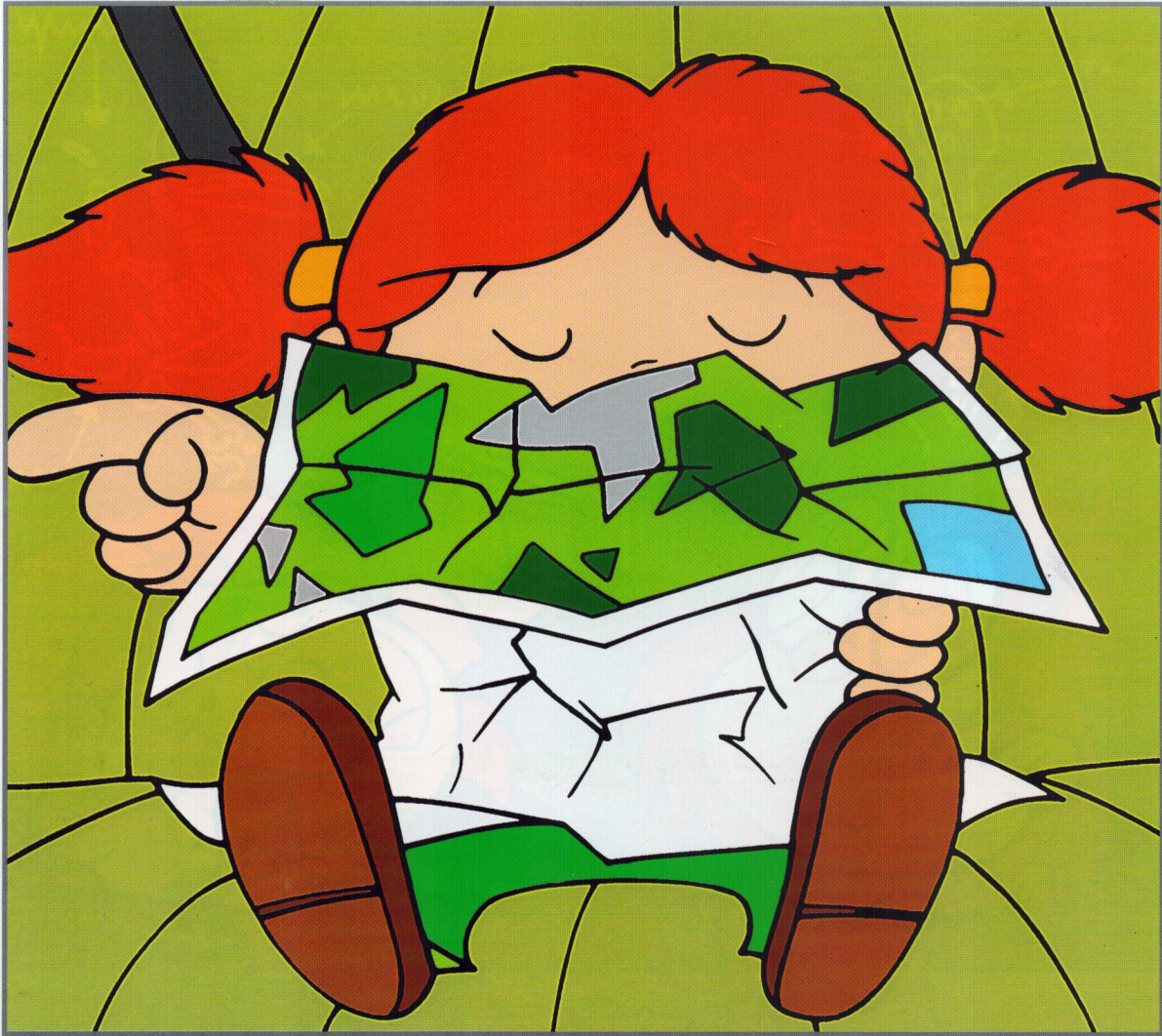


ریسی ریسی

تونلی گراس • باز آفرینی شکوه قاسم‌نیا • ترجمه‌ی سارا قدیانی



برای پیش‌دبستانی‌ها و سال‌های اول و دوم



یک روز پدر ریسی تصمیم گرفت خانواده‌اش را به گردش ببرد. آنها سوار ماشین شدند و حرکت کردند. ریسی و برادرش روی صندلی عقب ماشین نشسته بودند. ریسی مثل همیشه می‌خواست رییس باشد، بنابراین به پدر گفت: «سرعت زیاد است، پدر!» پدر سرعت ماشین را کم کرد. بعد ریسی نقشه راه را از دست مادر گرفت، به آن نگاهی کرد و گفت: «راه را اشتباه می‌روید پدر! الان باید به سمت راست بپیچید!»